آرمان ملّی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۰۹۴
سه شنبه
۱۴۰۴•۰۲•۰۹
۱ ذی القعده ۱۴۴۶/ ۲۹ آوریل ۲۰۲۵

گزارش

نگاه اعراب به مذاکرات ایران و آمریکا

حمایت عربستان و امارات از توافق

سیاست خارجی دونالد ترامپ در خاورمیانه که با تصمیمات غیرقابل پیش‌بینی مشخص شده است، همواره کانون بحث‌های بین‌المللی بوده است. مدرن دیپلماسی مدعی شد؛ یکی از مهم‌ترین اقدامات او آغاز مذاکرات با جمهوری اسلامی ایران است؛ گامی بی‌سابقه و ناگهانی که افق‌های جدیدی را در روابط ایالات متحده و ایران و همچنین میان کشورهای منطقه گشوده است. این مذاکرات که پس از سال‌ها تنش میان واشنگتن و تهران برگزار می‌شود، نه تنها می‌تواند روابط دوجانبه را بازتعریف کند بلکه فرصت تاریخی برای کشورهای عربی شورای همکاری خلیج فارس (GCC) ایجاد کرده است.

استقبال از توافق احتمالی

این وبگاه در ادامه آورده است: کشورهای عربی، به ویژه بازیگرانی که در خلیج فارس قرار دارند، اکنون با یک لحظه راهبردی مواجه هستند؛ از یک سو، می‌توانند از این فرصت برای تسریع کاهش تنش‌ها و بهبود روابط با ایران استفاده کنند؛ از سوی دیگر، باید در برابر اقدامات تحریک‌آمیز اسرائیل که همواره بحران‌های منطقه‌ای را شعله‌ور کرده مقاومت کنند. این مذاکرات می‌تواند به ابزاری حیاتی برای مهار رفتارهای تهاجمی اسرائیل تبدیل شود که منبعی برای بی‌ثباتی مزمن بوده است. در نهایت، مذاکرات با ایران می‌تواند ثبات ژئوپولیتیکی و ژئواقتصادی خاورمیانه را تقویت کند و کشورهای عربی را قادر سازد تا دیپلماسی منطقه‌ای را به‌طور مؤثرتری دنبال کرده و منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی خود را از هرج و مرج تهدیدکننده حفظ کنند. این یک نقطه عطف حیاتی است و کشورهای خلیج‌فارس باید از آن بهره‌برداری کرده و نقش فعال‌تری در شکل‌دهی به آینده منطقه ایفا کنند. در این میان، تمایل ترامپ به مذاکره با تهران می‌تواند نقطه عطفی در دینامیک‌های منطقه‌ای باشد. این اقدام باید نه تنها باعث نگرانی کشورهای عربی خلیج فارس نشود بلکه به‌عنوان فرصتی برای پیشبرد دیپلماسی با ایران و کاهش تنش‌های مزمن منطقه‌ای دیده شود. دهه‌ها خصومت میان ایران و چندین کشور عربی - از جنگ‌ها در یمن و عراق گرفته تا لبنان - منطقه را آسیب‌پذیر کرده است، آن هم با هزینه‌های انسانی و اقتصادی چشمگیر. با این حال، تحولات اخیر نشان‌دهنده تغییر به سوی دیپلماسی است. مذاکرات احتمالی ایالات متحده و ایران می‌تواند این روند را تقویت کرده و فشارهای بین‌المللی بر تهران را کاهش دهد و فضای بیشتری برای گفت‌وگوهای منطقه‌ای فراهم کند. مدرن دیپلماسی در ادامه آورده است: کشورهای عربی می‌توانند از این فرصت برای پیشبرد مذاکرات در موضوعات کلیدی مانند امنیت خلیج فارس، پایان دادن به جنگ یمن و ایجاد سازوکارهای همکاری اقتصادی استفاده کنند. این رویکرد نه تنها بار مواجهه مستقیم را از دوش کشورهای عربی برمی‌دارد بلکه احتمال درگیری‌های ادعایی نیابتی را کاهش می‌دهد و برای ثبات بلندمدت زمینه‌سازی می‌کند. به‌عنوان مثال، توافقی که برنامه هسته‌ای ایران را محدود کند می‌تواند نگرانی‌های امنیتی خلیج فارس را کاهش دهد و به آن‌ها این امکان را بدهد که تمرکز خود را از بازدارندگی نظامی به توسعه اقتصادی و پروژه‌های ژئواقتصادی منتقل کنند. در این زمینه، میانجی‌هایی منطقه‌ای مانند عمان و قطر - که تاریخ طولانی در تسهیل گفت‌وگوها دارند - می‌توانند نقش حیاتی در تقویت این دیپلماسی ایفا کنند. کشورهای عربی باید این فرصت را در آغوش بگیرند و به‌طور فعال در گفت‌وگوهای موازی با ایران مشارکت کنند تا از منافع ثبات منطقه‌ای بهره‌مند شوند. در سوی دیگر معادله، اسرائیل چالشی جدی برای این روند دیپلماتیک به‌وجود می‌آورد. اسرائیل که اغلب به اقدامات یک‌جانبه مانند حملات نظامی در سراسر منطقه یا فشار برای تشدید تحریم‌ها علیه ایران روی می‌آورد، منبع اصلی بی‌ثباتی بوده است. مذاکرات ایالات متحده با ایران می‌تواند به تضعیف بهانه‌های اسرائیل برای ماجراجویی‌های نظامی کمک کند و با کاهش تنش‌های هسته‌ای، اقدامات اسرائیل را تحت نظارت دیپلماتیک بین‌المللی قرار دهد.

اقتصاد اعراب

از منظر کشورهای عربی، این تغییر یک فرصت برای ترویج ابتکارات اعتمادسازی است که کشورهای غیر عرب را نسبت به اصول ثبات منطقه‌ای پاسخگو نگه دارد. به‌عنوان مثال کاهش تنش‌ها با ایران می‌تواند امنیت مسیرهای تجاری کلیدی در خلیج فارس و تنگه هرمز - مسیرهایی که برای اقتصادهای صادرکننده انرژی مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی حیاتی هستند - را تضمین کند. پروژه‌های عظیمی مانند «چشم‌انداز ۲۰۳۰» عربستان سعودی یا برنامه‌های زیرساختی امارات متحده عربی، که به سرمایه‌گذاری خارجی و تنوع اقتصادی وابسته هستند، در صورت بروز درگیری با ایران یا تحریک توسط اسرائیل، بسیار آسیب‌پذیر خواهند بود. مذاکرات ایالات متحده و ایران می‌تواند این خطرات را کاهش دهد و به کشورهای عربی این امکان را بدهد که با اعتماد بیشتری به توسعه اقتصادی بپردازند. علاوه بر این، مهار تحریکات اسرائیل از طریق فشار دیپلماتیک بین‌المللی می‌تواند از تشدید جنگ‌های نیابتی در کشورهایی مانند لبنان و عراق جلوگیری کند و به کشورهای عربی این فرصت را بدهد که منابع خود را از هزینه‌های نظامی به توسعه و رفاه اجتماعی منتقل کنند. به جای ترس از تغییر سیاست ایالات متحده، کشورهای عربی باید این لحظه را به‌عنوان فرصتی برای بازتعریف روابط منطقه‌ای و از طریق دیپلماسی فعال، جلوگیری از به خطر افتادن منافع ژئواقتصادی و ثبات منطقه‌ای خود توسط بازیگران خارجی مانند اسرائیل یا هر نیروی خارجی دیگری ببینند. این رویکرد نیازمند هماهنگی میان کشورهای خلیج فارس و حمایت جامعه بین‌المللی است تا منطقه به جای قرار گرفتن در آستانه درگیری، به سمت همکاری حرکت کند. خاورمیانه در آستانه تحولی عمیق قرار دارد و کشورهای عربی نمی‌توانند به‌عنوان ناظران منفعل باقی بمانند. اگر همراه با دوراندیشی راهبردی کشورهای عربی، مذاکرات ایالات متحده و ایران بتواند تنش‌ها را کاهش دهد، اسرائیل را مهار کند و دیپلماسی منطقه‌ای را تقویت کند، کشورهای خلیج فارس باید از این لحظه بهره‌برداری کنند، تنش‌ها با ایران را کاهش دهند و نشان دهند که می‌توانند به‌عنوان بازیگران مستقل آینده پایدار خاورمیانه را شکل دهند، نه تنها پیروان واشنگتن یا تماشاگران اقدامات تل‌آویو.

گزارش میدانی خبرنگار «آرمان ملی» به بندرعباس

بحران اطلاع‌رسانی؛ همبستگی اجتماعی

آرمان ملی- آرتا دخت زاهدی: در تاریخ ششم اردیبهشت، بندرعباس شاهد یکی از بزرگ‌ترین فاجعه‌های تاریخ معاصر خود بود. انفجار مهیب مواد اشتعالزا در اسکله شهید رجایی که بزرگ‌ترین بندر صادرات و واردات ایران به شمار می‌رود، شعله‌های آتش را به آسمان پرتاب کرد و به یکباره زندگی هزاران نفر را تغییر داد. حادثه‌ای که نه تنها در بطن خود خسارات سنگینی به بار آورد، بلکه برخی کم‌کاری‌ها، عدم پیش‌بینی‌ها و برخی ناکارآمدی‌ها در مدیریت بحران را آشکار ساخت.

سکوت اطلاع‌رسانی

در ساعات اولیه این فاجعه، شدت انفجار به حدی بود که آثار آن حتی در مناطق دورتر از بندر رجایی نیز محسوس بود. بسیاری از خانه‌های روستاها، شهرها و شهرک‌های اطراف و نزدیک به اسکله رجایی آسیب و صدمه جدی دیدند. شیشه‌ها در خانه‌ها شکست، دیوارها ترک برداشت و مردم در وحشت از وقوع یک زمین‌لرزه مبهوت بودند. در ابتدا با فکر زمین‌لرزه وحشت کرده بودند که به سرعت مشخص شد انفجاری مهیب باعث این صدا بوده است. شهروندان در ساعات ابتدایی حادثه با سردرگمی بسیاری روبه‌رو شدند. از یکسو، اخبار از فضای مجازی به سرعت در حال انتشار بود، اما از سوی دیگر، هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی رسمی ودقیق از سوی مقامات به مردم داده نمی‌شد. این عدم شفافیت در پاسخگویی به بحران، باعث افزایش نگرانی و ترس میان مردم شد. حتی تا ساعت‌ها پس از وقوع حادثه، مردم در جست‌وجوی عزیزان خود بودند و هیچ اطلاع رسمی و دقیقی از مصدومان و کشته شدگان وجود نداشت و این مساله انتقادی وارد بود.

گمشدگان در میان خاک و دود

در ساعات پس از حادثه، مردم همچنان به دنبال عزیزان خود می‌گشتند. بسیاری از خانواده‌ها از صبح تا غروب در بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها حضور داشتند، بدون آنکه به اطلاعات دقیق و قابل اعتمادی دست یابند. بدون نام و بدون اطلاع‌رسانی مناسب، مصدومان به بیمارستان‌های دیگر استان‌ها منتقل می‌شدند و این خود به بحران مفقودین افزود. تصاویری از خانواده‌هایی که با دلی شکسته به جست‌وجوی عزیزان خود بودند، در فضای مجازی دست به دست می‌شد و مردم تلاش می‌کردند تا شاید خبری از عزیزانشان بیابند. اما یک نکته بسیار مهم در این خصوص که به شدت در این فاجعه نادیده گرفته شد، این است که تعداد مفقودین بسیار بیشتر از آن چیزی است که از کانال‌های رسمی اعلام می‌شود. این موضوع در حالی است که با جست‌وجویی ساده و با مراجعه به محله‌ها و مناطق مختلف بندرعباس، به راحتی می‌توان دریافت که بسیاری از خانواده‌ها هنوز در جست‌وجوی عزیزان خود هستند و هیچ خبری از آنها ندارند. هر چند که دولت و سایر دستگاه‌ها در این خصوص اظهاراتی را داشتند و تمهیداتی را برای بهبود شرایط مطرح کردند؛ اما عدم هماهنگی چیزی بود که بسیار به چشم می‌خورد و نبود اطلاعات دقیق و شفاف در خصوص مفقودین تنها بر سردرگمی مردم افزوده است.

همبستگی اجتماعی

اما در میان همه این درد و رنج‌ها، یک نکته برجسته و امیدبخش نیز وجود داشت؛ همبستگی مردم. در شرایطی که سیستم‌های رسمی نتوانستند به موقع و مؤثر عمل کنند، مردم به یاری هم شتافتند. به محض اعلام کمبود خون بسیاری از مردم بندرعباس برای خون دادن خود را به مراکز خون‌گیری رساندند و در همان ساعات اولیه خون به میزان کافی از مردم دریافت شد. پزشکان و پرستاران به صورت داوطلبانه و رایگان به درمان مصدومان پرداختند. برخی از داروخانه‌ها اقلام دارویی و درمانی مورد نیاز مردم را به صورت رایگان در اختیار آنها قرار می‌دادند. همه مردم از تمامی صنوف هر کدام به نوبه خود در این کمک رسانی شرکت داشتند؛ از تعمیرکاران تا فروشگاه‌ها، همگی دست به کار شدند تا به آسیب‌دیدگان کمک کنند. در این بین، سهم مردم در مدیریت بحران پس از حادثه به وضوح قابل مشاهده بود. در حالی که سیستم‌های دولتی با بحران‌های اطلاعاتی مواجه بودند، مردم با همبستگی بی‌نظیر خود توانستند بسیاری از مشکلات را مدیریت کنند. حتی برخی از مردم خانه‌های خود را به روی خانواده‌های آسیب‌دیدگان باز کردند که به جست‌وجوی عزیزانشان از شهرهای دیگر به بندرعباس آمده بودند. هتل داریوش، یکی از هتل‌های نزدیک به محل حادثه، اعلام کرد که خدمات رایگان خود را به امدادگران و آتش‌نشانان جهت استحمام و استراحت ارائه می‌دهد.

ضعف زیرساخت‌های بهداشتی

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی که این حادثه به نمایش گذاشت، کمبودهای گسترده در سیستم‌های بهداشتی و درمانی استان هرمزگان بود. با وجود اینکه بیمارستان‌ها و مراکز درمانی بندرعباس در وضعیت آماده‌باش قرار گرفتند، ظرفیت این مراکز برای مقابله با حجم بالای مصدومان به وضوح ناکافی بود. حجم بالای مصدومان و شدت آسیب‌ها باعث شد که بسیاری از بیمارستان‌ها به سرعت پر شوند و تیم‌های پزشکی و پرستاری با فشار زیادی مواجه بودند. این وضعیت نشان داد که استان هرمزگان به عنوان یکی از استان‌های مهم کشور از لحاظ اقتصادی و تجاری، هیچ‌گونه آمادگی مناسبی برای مقابله با بحران‌های بزرگ ندارد. زیرساخت‌های درمانی استان در مقایسه با نیازهای موجود، بسیار ضعیف و فرسوده هستند. بسیاری از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی با کمبود تجهیزات و نیروی انسانی مواجه بودند و این کمبودها تنها به فشار بر دوش کادر درمانی افزود. پیش‌بینی نشده بودن این حجم از مصدومان و عدم تأمین منابع لازم برای امدادرسانی به آن‌ها، شکاف‌های جدی در سیستم بهداشت و درمان استان را نمایان کرد. انتقال مصدومان به بیمارستان‌های دیگر استان‌ها مانند سیرجان، شیراز و کرمان، بدون اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف، باعث سردرگمی بیشتر خانواده‌ها شد. در بسیاری از موارد، مصدومان بدون نام و مشخصات دقیق به این بیمارستان‌ها منتقل می‌شدند و خانواده‌ها هیچ اطلاعی از وضعیت عزیزان خود نداشتند این وضعیت به وضوح نشان داد که استان هرمزگان به سرمایه‌گذاری‌های فوری و جامع در بخش درمان نیاز دارد. توسعه مراکز درمانی، افزایش تجهیزات پزشکی و نیروی انسانی و همچنین آمادگی برای مقابله با بحران‌ها باید در دستور کار قرار گیرد.

ضعف‌های ساختاری

با وجود حضور مقامات بلندپایه در صحنه، از جمله وزیر کشور، وزیر راه و شهرسازی و رئیس جمهور انتظار می‌رفت که هماهنگی بیشتری برای مدیریت این بحران بزرگ وجود داشته باشد. بسیاری از اقدامات اولیه به کندی انجام شد و عدم اطلاع‌رسانی دقیق، وضعیت را پیچیده‌تر کرد. در این شرایط، آنچه که بیش از همه به چشم می‌آید، این است که بدون یک مدیریت یکپارچه و جامع، هیچ سیستم دولتی یا امدادی نمی‌تواند به درستی بحران را مدیریت کند. در حالی که مردم به شدت برای کمک و دریافت اطلاعات ضروری، به بیمارستان‌ها و مراکز مختلف مراجعه می‌کردند، ترافیک شدید در سطح شهر باعث چالش بیشتر وضعیت شد. بیمارستان‌ها به شدت شلوغ و سیستم مدیریت بحران با کمبود امکانات مواجه بود. این وضعیت، نشان‌دهنده عدم کنترل و مدیریت صحیح در مقیاس کلان و مقامات دولتی بود که نتواستند به موقع در برابر حجم وسیع بحران اقدامات مناسب را انجام دهند. با گذشت یک روز از این فاجعه مردم همچنان به دنبال گمگشته‌های خود می‌گردند و کسی پاسخگوی درستی برای آنها نیست. با یک پرس و جوی میدانی این موضوع نمایان می‌شود که آمار مفقودین این حادثه بیش از اعلام‌های رسمی است و هیچ آمار دقیقی از تعداد مفقودین وجود ندارد.

نیاز به بازنگری

این فاجعه به وضوح ضعف‌های ساختاری و مدیریتی را در استان هرمزگان و کشور نمایان ساخت. اما از سوی دیگر، همبستگی، ایثار و کمک‌های مردمی به‌عنوان نقطه‌ای روشن و امیدبخش در تاریخ این بحران ثبت خواهد شد. این حادثه نشان داد که در مواقع بحرانی، مردم همیشه در کنار یکدیگر می‌ایستند و برای همدیگر کمک می‌کنند. مردم در مرحله‌ای که سیستم‌های رسمی توان پاسخگویی و مدیریت بحران را نداشتند، نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای ایفا کردند و بیش‌ترین سهم را در مراحل بعد از حادثه داشتند، اما آنچه که به‌طور جدی نیازمند توجه است، تقویت سیستم‌های رسمی و دولتی در آمادگی برای بحران‌ها و ارائه مدیریت جامع در پاسخگویی به حوادث است.

نفوذ در لایه‌های میانی و کارشناسی صدا و سیما به روایت حسن رسولی

مذاکرات ایران و آمریکا جنبه حاکمیتی و ملی دارد

اقدامات اخیر صدا و سیما علیه تیم مذاکره کننده ایران در عمان و تمسخر مقامات عربستانی در شبکه نسیم با انتقادات صریح اهالی سیاست و رسانه‌های اصولگرا همراه شد. در همین راستا، یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب، درباره اقدامات صدا و سیما علیه مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا بیان کرد: مذاکراتی که امروز پس از سال‌ها و پس از عبور از چالش‌ها و کشمکش‌های طولانی بین ایران و آمریکا، جاری و ساری است؛ یکی از مهم‌ترین پروژه‌های در دست دولت است و با توجه ارتباط این امر با موضوع امنیت ملی، کاملا یک بحث عمومی، غیر جناحی و غیرسیاسی است. حسن رسولی گفت: اگر در سازمان دهی که برای مذاکرات در صحنه عملی و بحث اندیشه ورزی و اتاق فکر صورت گرفته دقت کنیم، ملاحظه می‌شود که عالی‌ترین سطح انسجام و یکدستی در سطوح مختلف نظام جمهوری اسلامی در این فرآیند بسیار مهم هویداست. بیانات رهبری، مواضع رئیس جمهور و سران قوا، همچنین برخی از شخصیت‌های جبهه پایداری مانند آقای نبویان، نشانه‌ای بر جنبه‌های ملی، حکومتی و حاکمیتی این مذاکرات است. این فعال سیاسی اصلاح طلب اظهار داشت: به طور طبیعی، هر آنچه مربوط به حوزه سیاست خارجی است، نباید تحت‌الشعاع مرزبندی‌ها و صف کشی‌های داخلی قرار بگیرد. حوزه سیاست خارجی، به منافع ملی مربوط است. به ویژه بحث مهم مذاکرات هم در صورت به ثمر رسیدن، برای سرنوشت ایران و رفع تحریم‌های ظالمانه اهمیت دارد. اگر فرضا مذاکرات با ناکامی مواجه شود، آثار و پیامدهای شرگرفی بر اقتصاد و امنیت ملی خواهد داشت. رسولی خاطرنشان کرد: در یک رویکرد خردمندانه، نه فقط نهادهای حاکمیتی مانند صداوسیما که رسانه ملی و تریبون رسمی جمهوری اسلامی است، بلکه احزاب، جناح‌ها و گروه‌های سیاسی با توجه به اهمیت موضوع و ضرورت شنیده شدن یک صدای واحد از ایران، باید از ساز و کار مذاکرات حمایت کنند. اگر مشاهده شود که در صدا و سیمای جمهوری اسلامی عکس این امر اتفاق می‌افتد مانند اهانت به مقامات عربستان یا خلافای راشدی و جهت گیری‌هایی از این جنس، از دو حالت خارج نیست.

وی با اشاره به دلایل اقدامات صدا و سیما گفت: این اقدامات یا برآمده از نفوذ سرویس‌های امنیتی و بیگانه است که از طریق لایه‌های میانی و کارشناسی صدا و سیما است. در واقع اهدافی را که در حوزه اطلاعاتی به صورت آشکار نمی‌توان دنبال کرد، با استفاده از ساز و کار نفوذ، اهداف ضد ملی و ضد انقلابی را دنبال می‌کنند. اگر این موضوع صحت داشته باشد، نهادهای امنیتی باید به سرعت وارد عمل شده و با استفاده از نشانه‌ها راه نفوذ را سد کنند. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب با اشاره به دلیل دوم بیان کرد: یا اینکه این نوع رفتارها برآمده از عدم درک سیاسی و عدم بلوغ سیاسی است که مجریان این قبیل سناریوها، نمی‌توانند بین یک امر ملی و یک امر سیاسی تفاوت قائل شوند. اگر در یک مقطعی، این جریانکه اقدامات خرابکارانه را انجام می‌دهد، با دولت آقای روحانی و اصل برجام مخالف بودند؛ همچنان به دنبال ترغیب اهداف جناحی خودشان در طول این پروژه بزرگ ملی هستند.

برنامه‌ریزی موساد علیه مذاکرات ایران و آمریکا

وی با بیان اینکه ابتدا باید مسئولان صدا و سیما و سپس شورای نظارت بر عملکرد صدا و سیما فورا به موضوع ورود پیدا کنند گفت: باید عناصر ناآگاه را توجیه کرده عناصر کوته‌فکر را جا به جا کرده و افراد بلندقواره‌تر جایگزین شوند. از آنچه در صدا و سیما اتفاق می‌افتد باید ابزار تاسف کرد. رسولی با اشاره به ماموریت‌های صدا و سیما گفت: این رسانه ماموریت‌های مختلفی دارد که یکی از اصلی‌ترین ماموریت‌های آن، توجیه سیاست‌های عمومی کشور به ویژه سیاست خارجی است. اما وقتی با پول بیت المال و مالیات مردم در جهت عکس این ماموریت حرکت می‌کند، با قرار دادن دو فرض گفته شده، تداوم این اقدامات برای هیچ فرد ایران دوستی قابل قبول نیست. وی درباره اتاق فکر این اقدامات گفت: اگر درباره پشت پرده فرض نفوذ را در نظر بگیریم، احتمالا می‌توانیم از سرویس اطلاعاتی موساد در اسرائیل و سایر کشورهایی که با توافق ایران و آمریکا مخالف هستند، نام ببریم اما برای تشخیص دقیق‌تر باید به اطلاعات پنهان و دقیق دست پیدا کرد.

یادداشت

توسعه پایدار خمیرمایه اقتصاد

پریسا حاجی محمدی
دکتری کسب‌وکار حرفه‌ای

کنفرانس سالانه سازمان ملل در مورد موافقت نامه‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی برای جریان‌سازی توسعه پایدار تاکید دارد و به جهان القا می‌کند که بکارگیری اهداف توسعه پایدار امری ضروری است. تجارت و توسعه سازمان ملل متحد UNCTAD عملاً کنفرانس موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی با مضمون «مسیری جهت همسویی بین‌المللی توسعه پایدار» در پانل‌های تخصصی ارائه کرد و خواست تا کشورها اصول راهنما را برای اصلاح توسعه مبتنی بر توسعه پایدار ایجاد کنندو بر همسویی با اهداف توسعه پایدار تاکید کرد. چالش امروز این است که پایداری را در تمام ابعاد آن از پیرامون سیستم تا هسته آن پیش ببریم. زیرا توسعه پایدار رویکردی است که هدف آن رفع نیازهای نسل حاضر و حفظ منابع برای نسل‌های آینده است. تغییرات جهانی با تمرکز بر تولید و مصرف مسئولانه مردم برای حفظ کره زمین به نیرویی توانمند نیازمند است. گزارش اقتصاد دیجیتال ۲۰۲۴ تأثیرات زیست محیطی رو به رشد و در حال گسترش اقتصاد دیجیتال درجهان را تحلیل می‌کند. این گزارش خواستار اقدام جسورانه از سوی سیاست‌گذاران، مدیران کسب و کارها و صنعت و مصرف کنندگان است. این گزارش به طور مفصل نشان می‌دهد که در حالی که دیجیتالی شدن باعث رشد اقتصاد جهانی می‌شود و فرصت‌های منحصر به فردی را برای کشورهای در حال توسعه ارائه می‌دهد، پیامدهای زیست محیطی آن بسیار بیشتر می‌شود. کشورهای در حال توسعه به دلیل شکاف‌های موجود دیجیتال و توسعه، هم از نظر اقتصادی و هم از نظر زیست محیطی به‌طور نابرابر تحت تأثیر قرار می‌گیرند، اما آنها پتانسیل این را دارند که از تغییرات دیجیتال برای تقویت توسعه در کشور خود استفاده کنند. تقویت همکاری بین کشورها باعث می‌شود از دسترسی عادلانه به فناوری‌ها و منابع دیجیتال اطمینان حاصل گردد و حال آنکه ناگریز جهان و محیط پیرامون ما با سرعتی شگفت‌انگیز بسمت دیجیتالی شدن پیش می‌رود، بنابراین نباید مدیریت منابع و انرژی و تحلیل اقتصاد جهانی نیز از این حیث دور بماند. درگفت‌وگوهای بین‌المللی در کنفرانس UNCTAD بر ضرورت تکمیل تعهدات بین‌المللی در زمینه‌هایی مانند کار، بهداشت و محیط زیست، حمایت از رویکردهای عملی برای پرداختن به چالش‌های پایداری تاکید شد. به‌طور کلی، به نیاز به همکاری و گفت‌وگوی نهادی قوی‌تر بین کشورها و سازمان‌ها اشاره شد. گزارش اقتصاد دیجیتال ۲۰۲۴ نیز بر نیاز فوری به استراتژی‌های پایدار و فراگیر از دیدگاه زیست محیطی تأکید می‌کند. فناوری‌های دیجیتال و زیرساخت‌ها به شدت به مواد اولیه و منابع انرژی بستگی دارد و همراه با نیازهای رو به رشد آب و انرژی، خطرات و تلفات نامتعادل و سنگینی را بر روی کره زمین وارد می‌کند. برای مثال، تولید و استفاده از دستگاه‌های دیجیتال، مراکز داده و شبکه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات حدود ۶ تا ۱۲ درصد از مصرف جهانی برق را تشکیل می‌دهند. تجارت و توسعه سازمان ملل متحد خواستار تنظیم و اجرای استراتژی‌های پایدار و عادلانه برای کاهش تأثیرات زیست محیطی رو به رشد اقتصاد دیجیتال است. کشورهای در حال توسعه تاثیرات زیست محیطی اقتصاد دیجیتال را به دوش می‌کشند اما مزایای نسبتا کمی از دیجیتالی شدن مواد معدنی کلیدی دریافت می‌کنند. کشورهای در حال توسعه به طور نامتناسبی از تاثیر تغییرات آب و هوایی رنج می‌برند. با این حال، آنها در بهره بردن از مزایای اقتصاد دیجیتال جهانی ناکام هستند و این نابرابری باید معکوس شود. دیجیتالی شدن یک استقبال و یک محرک ضروری برای رشد اقتصاد جهانی است. با این حال، باید فراگیر و پایدار باشد، زیرا دیجیتالی شدن سریع نگرانی‌های زیست محیطی را تشدید می‌کند. ظهور فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی و استخراج ارزهای دیجیتال مصرف انرژی را به میزان قابل توجهی افزایش داده است. به عنوان مثال، مصرف انرژی استخراج بیت‌کوین بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴۴، ۳۴ برابر افزایش یافته است و به حدود ۱۴۱ تراوات ساعت رسید. امروزه کشورهای در حال توسعه تولیدکنندگان کلیدی مواد معدنی و حیاتی ضروری برای اقتصاد دیجیتال هستند، آنها کلید رشد اقتصاد دیجیتالی را که شاهد آن هستیم، در دست دارند. می‌توانیم دیدگاه مثبتی بر اساس فرصت‌ها داشته باشیم، زیرا به اقتصاد دیجیتال برای تسریع و رشد آتی نیاز داریم. افزایش ۵۰۰ درصدی تقاضا برای مواد معدنی حیاتی برای دیجیتالی شدن تا سال ۲۰۵۰ پیش‌بینی می‌شود که ناشی از وسایل الکترونیکی مصرفی، باتری‌های خودروهای الکتریکی و ذخیره انرژی تجدیدپذیر است.